



Kardan Journal Law (KJL)

ISSN: 2707-3181 (Print and Online), Journal homepage: <https://kardan.edu.af/KJL>

Autonomy of Public Institutions of Higher Education in Afghanistan

Ahmad Salem Abdullah

To cite this article: Abdullah, Ahmad Saleem. “Autonomy of public institutions of higher education in Afghanistan”, *Kardan Journal of Law*, (2021), 3 (1), 65-92.
DOI: 10.31841/KJL.2021.18

To link to this article: <http://dx.doi.org/10.31841/KJL.2021.18>



© 2021 The Author(s). This open access Article is distributed under a Creative Commons Attribution (CC-BY) 4.0 license.



Published online: 25 December 2021



Submit your article to this journal

Autonomy of Public Institutions of Higher Education in Afghanistan

Kardan Journal of Law
3 (1) 65–92

©2021 Kardan University
Kardan Publications
Kabul, Afghanistan

<http://dx.doi.org/10.31841/KJL.2021.18>

<https://kardan.edu.af/KJL>

Ahmad Salem Abdullah

Received: 20 July 21
Revised: 25 Sep 21
Accepted: 20 Nov 21
Published: 25 Dec 21

Abstract

Autonomy of academic institutions is vital for innovation and growth and their autonomy is directly linked with perspective of the government in relation to their activity and its interference in affairs of academic institutions. In case of Afghanistan, however, the scope and nature of autonomy is misunderstood and thus, in view of the laws in force, Ministry of Higher Education enjoys mandate to micro-manage academic institutions in all spheres of operation. This study is an attempt to explain various dimensions of the autonomy of academic institutions and explain the extent to which they are observed in Afghanistan. This paper finds out, through review of literature based on descriptive and critical method that autonomy has four dimensions: academic, organizational, financial and staffing. In Afghanistan, public institutions of higher education enjoy qualified academic autonomy. Thus, for instance, Articles 27 and 28 of the Regulation on Bachelor Degree Education fix the number, format and form of examination questions as well as the timeline for checking papers and official declaration of results. In relation to organizational autonomy; it appears the same is not awarded to public institutions. Thus, Article 20 of the Law on Civil Higher Education states that the chancellor of a university is appointed based on proposal of the Minister of Higher Education and with approval of the President of Afghanistan. Also, financial autonomy of public institutions is qualified. Article 65 of the Law stipulates that operating and development budget of institutions is prepared by them, however, it is processed through the Ministry of Higher Education as consolidated budget of the Ministry. Lastly, Articles 39 and 70 of the Law on Civil Higher Education Law indicate that public institutions of higher education do not enjoy staffing autonomy in relation to recruitment of academic and administrative staff.

Keywords: Higher Education, Organizational Autonomy, Financial Autonomy, Academic Autonomy, Staffing Autonomy

استقلالیت موسسات تحصیلات عالی دولتی در افغانستان

احمد سالم عبدالله

چکیده

استقلال موسسات تحصیلات عالی سنگ بنای نظام تحصیلات عالی محسوب شده و استقلال آنها به چشم انداز و دخالت دولت وابسته است. علاوه بر درک نادرست از ابعاد تأمین کننده استقلالیت، دخالت دولت در امور موسسات تحصیلات عالی فرایند استقلالیت آنها را به چالش کشیده است. بدین ترتیب این تحقیق به هدف تبیین ابعاد مختلف استقلالیت موسسات تحصیلات عالی صورت گرفته است. یافته های تحقیق، به کمک منابع کتابخانه ای تابع روش توصیفی- تحلیلی با رویکرد انتقادی، نشان میدهد استقلالیت دارای چهار بعد اکادمیک، سازمانی، مالی و استخدامی می باشد. در افغانستان، موسسات تحصیلات عالی دولتی دارای استقلالیت نسبی اکادمیک می باشند. چنانچه، ماده های ۲۷ و ۲۸ مقرره دوره لیسانس که تعداد و نوع سوالات و زمان اعلان نتایج امتحانات رایبان میکند گویای نسبی استقلالیت اکادمیک است. استقلالیت سازمانی برای موسسات به رسمیت شناخته نشده است. چنانچه، ماده ۲۰ قانون تحصیلات عالی ملکی صراحت دارد که رئیس پوهنتون دولتی به پیشنهاد وزیر تحصیلات عالی و منظوری رئیس جمهور تعیین می گردد. همچنان، استقلالیت مالی به شکل نسبی می باشد. ماده ۶۵ این قانون صراحت دارد که بودجه عادی و انکشافی سالانه، توسط مؤسسه تحصیلات عالی دولتی ترتیب و جهت طی مراحل قانونی به وزارت تحصیلات عالی ارسال می گردد که منحصراً بودجه توحیدی وزارت طی مراحل می گردد. استقلالیت استخدامی موسسات نسبت به اعضای کادر علمی و کارمندان اداری شناخته نشده است چنانچه ماده ۳۹ قانون تحصیلات عالی ملکی ایجاد بست و استخدام اعضای کادر علمی را بمنظوری وزیر تحصیلات عالی پیشبینی کرده و ماده ۷۰ استخدام کارکنان اداری را تابع قانون کارکنان خدمات ملکی و قانون کار می داند که از طریق کمیسیون اصلاحات اداری جذب میگردند.

واژگان کلیدی: موسسه تحصیلات عالی، استقلال علمی، استقلال سازمانی، استقلال مالی، استقلال

استخدامی.

مقدمه

یکی از عوامل تأثیر گذار در عرصه تحصیلات عالی کشورها از جمله افغانستان، عامل استقلال است. شفافیت در واگذاری اختیارات به مؤسسات تحصیلات عالی به ویژه مؤسسات توانمند، حفظ موقعیت و صیانت هیأت علمی و استقلال آکادمیک، استقلال اداری و سازمانی، استقلال مالی و استخدامی از جمله مؤلفه‌هایی هستند که مورد توجه بوده است. وزارت تحصیلات عالی و حکومت به جای تمرکز در فعالیت‌ها و کارهای مؤسسات تحصیلی باید نظارت و قیمومیت را قوی نموده و به نهاد های تحصیلی استقلالیات بدهد. لازمه رشد و توسعه تحصیلات عالی استقلال مؤسسات تحصیلی است.... تحقیق حاضر در پی بیان استقلالیات مؤسسات تحصیلات عالی دولتی بعد از سال ۱۳۸۲ در افغانستان است. اما مسئله اساسی این است که ابعاد اساسی استقلالیات مؤسسات تحصیلات عالی کدامها بوده و چگونه تبیین می شوند و سوال اساسی هم این است که استقلالیات مؤسسات تحصیلات عالی در بر گیرنده کدام ابعاد است؟

با در نظر داشت مسئله و سوال تحقیق می توان به شکل فرضی بیان نمود' به نظر می رسد' ابعاد استقلالیات(سازمانی' مالی' آکادمیک و استخدامی) بوده و در افغانستان صرف ابعاد مالی' اداری و آکادمیک به رسمیت شناخته شده است. اهمیت بررسی این موضوع در شناسائی مواردی چون تحمیلی نبودن برنامه های تحصیلی از سوی مراجع سیاسی، مستقل بودن اعضای هیأت علمی مؤسسات تحصیلی، پیدا نمودن راه های عواید توسط مؤسسات تحصیلی و غیره بوده که آثاری همچون سریع شدن فعالیتها' بالا رفتن کیفیت تحصیلات' توسعه در عرصه علم و نوآوری' پاسخگوئی دقیق' مساعد شدن زمینه رقابت سالم بین نهاد های تحصیلی' جد و جهد در قسمت تکمیل معیارات بین المللی و در اخیر تحقق فرهنگ تخصص گرائی و خلاقیت در عرصه های تحصیلات عالی خواهد بود. اهداف اساسی تحقیق حاضر شناسائی عوامل مانع شونده برای جلوگیری استقلالیات مؤسسات تحصیلات عالی و پیدا کردن راه حل حقوقی و قانونی بر اساس قوانین نافذ می باشد. با در نظر داشت ماهیت موضوع جمع آوری اطلاعات در این نوشته از نگاه جمع آوری معلومات تابع روش کتاب خانه ای بوده و از نگاه ماهیت موضوع' تحقیق کاربردی و از لحاظ اهداف تحقیق شکل توصیفی-تحلیلی با رویکرد انتقادی همراه است. سازماندهی این تحقیق در برگیرنده بررسی مفاهیم و مدل های استقلالیات' بررسی پیش نیاز های اساسی تحقق استقلالیات مؤسسات تحصیلات عالی' ابعاد (مؤلفه های) استقلال مؤسسات تحصیلات عالی که شامل استقلالیات سازمانی' مالی' علمی و استخدامی بوده و در اخیر شامل نتیجه گیری و پیشنهادات می گردد.

۲. مفاهیم نظری

بررسی موضوع استقلالیات مؤسسات تحصیلات عالی دولتی و پوهنتون ها ایجاب میکند' تا در اول مفاهیم کلیدی بررسی شده و در روشنایی آنها بحث استقلالیات بررسی گردد.

۲-۱. مفهوم استقلال

واژه (استقلال)^۱ یک واژه نسبتاً پیچیده و چند وجهی است. که مهمترین نمود و ظهور این واژه در عرصه سیاسی و اجتماعی، با ترکیب مفاهیم چون: سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در هم تنیده است. در حقیقت همین امر سبب گردیده است که در طول تاریخ از این واژه برداشتهای مختلفی صورت بگیرد. اما به صورت خلاصه در تحلیل مفهوم استقلال معمولاً به آزادی عمل و توانایی شروع یا پایان دادن فعالیتها به روش خود توجه میشود^۲ یا استقلال در لغت به معنی آزادی^۳ بدون مداخله دیگری کار خود را انجام دادن و خود مختاری است. در اصطلاح حقوق استقلال عبارت از آزادی اشخاص در امور خودشان است.^۳

۲-۲. مفهوم مؤسسه

به صورت عموم می توان گفت (مؤسسه^۴) عبارت از تشکیلاتی است که به هدف فعالیت های علمی 'دینی' بشری و سپورتنی فعالیت های غیر انتفاعی می نماید. این مفهوم در قانون مدنی افغانستان طور ذیل تعریف شده است «مؤسسه عبارت از شخصیت حکمی است که برای انجام خدمات بشری 'دینی' علمی 'فنی' و سپورتنی از طریق تخصیص اموال برای مدت غیر معین تاسیس یافته و برای اهداف غیر انتفاعی فعالیت می نماید»^۵.

۲-۳. مفهوم مؤسسه تحصیلات عالی و پوهنتون

(مؤسسه تحصیلات عالی)^۶ اساساً شخصیت حکمی است که فعالیت های علمی و تحصیلی را انجام دهد اما در قانون تحصیلات عالی این مفهوم طور ذیل تعریف شده است «مؤسسه تحصیلات عالی عبارت از پوهنتون و انستیتوت تحصیلات عالی است که بر منظور تریبه کادر های علمی به درجه های تحصیلی ليسانس و بالاتر از آن و تحقیقات علمی فعالیت می نماید»^۷.

(«دانشگاه» و یا «پوهنتون»)^۸ واژه های در افغانستان برای نامگذاری مراکز تحصیلات عالی استفاده می شوند. اما قانون تحصیلات عالی این واژه را طور ذیل تعریف نموده است «پوهنتون: مؤسسه تحصیلی است که

1. Autonomy

2. Harvey, L, Analytic Quality Glossary. Quality Research International. (2004), 19.2

3. عبدالله 'نظام الدین' فرهنگ اصطلاحات حقوقی افغانستان 'چاپ دوم' کابل 'انتشارات سعید' ۱۳۹۷، ۳۸.

4. Institute

5. وزارت عدلیه 'قانون مدنی' جریده رسمی 'شماره مسلسل ۳۵۳' ۱۵ جدی ۱۳۵۵ 'ماده ۴۵۵.

6. Institution for Higher Education. 6

7. وزارت عدلیه 'قانون تحصیلات عالی ملکی' جریده رسمی 'شماره مسلسل ۱۱۹۵' ۹ عقرب ۱۳۹۴ 'فقره ۱

ماده ۳.

8. University

حد اقل دارای شش پوهنځی 'محل مناسب معیاری' ۱۰ فیصد استادان دارای سویه تحصیلی دکتورا و رتبه علمی پوهندوی یا بالاتر از آن بوده 'نصاب درسی معیاری' فعالیت های تحقیقاتی 'مرکز انسجام تحقیقات علمی' مجله علمی 'کتاب خانه' سهولت های انترنتی 'لابراتوار های فعال' لیلیه 'امکانات ورزشی و مرکز تکنالوژی معلوماتی و حد اقل یک برنامه ماستری و یا بالاتر از آن را دارا می باشد»^۹.

۴- ۲. مفهوم مؤسسه تحصیلات عالی مستقل

اساسا این مفهوم مرکب از واژه های متفاوت می باشد و در بالا هر کدام تعریف شده است اما تعریف مرکب آن می تواند قرار ذیل باشد. اگرچه در تعاریف ذیل به جای پوهنتون واژه دانشگاه به کار رفته است «دانشگاه مستقل دانشگاهی است که از دخالت مستمر دولت به جز در موارد خاص و آن هم شفاف به دور است، حق انتخاب ارکان خود (اعم از مدیریت دانشگاه در رده های مختلف و اعضا هیئت امنا دانشگاه) دارد، از منابع عمومی و دولتی به شکل کمک برخوردار است، در جذب کمک های مردمی، هدایا، موقوفات و کسب درآمد از محل تحقیقات و آموزش بدون اینکه به کیفیت علمی آسیبی وارد شود آزاد است و اختیار چگونه هزینه کردن درآمدها و کمکهای دولتی را دارد»^{۱۰} یا «دانشگاه مستقل، مرکز نقادی، نظریه پردازی و آزاد اندیشی و مستند کردن این فعالیتها و ارائه آن به جامعه و دستاندرکاران ذیربط میباشد؛ چنین دانشگاهی، در تعیین سرنوشت کشور اثرگذار خواهد بود و زمینه را برای توسعه بر مبنای دانش و دانایی فراهم خواهد کرد»^{۱۱}. اعطای استقلالیات به مؤسسات تحصیلات عالی و مستقل شدن آنها سبب میگردد که برنامه ها علمی، اداری و مالی از طرف وزارت تحصیلات عالی بالای مؤسسه تحمیلی نباشد. به عبارت دیگر برنامه ها از بیرون برای این نهاد ها ابلاغ نمی شود. در این فرآیند، اعضای هیأت علمی با تجربه، مدیریت مؤسسه را عهده دار شده و به اداره امور می پردازند^{۱۲}. با در نظر داشت اهمیت فوق اثار استقلالیات سریع شدن فعالیتها، بالا رفتن کیفیت تحصیلات، توسعه در عرصه علم و نوآوری، پاسخگویی دقیق، مساعد شدن زمینه رقابت سالم بین نهاد های تحصیلی، جد و جهد در قسمت تکمیل معیارات ملی و بین المللی و در اخیر تحقق فرهنگ تخصص گرایی و خلاقیت خواهد بود.

۹. وزارت عدلیه، تعدیل، ایزاد و حذف برخی مواد قانون تحصیلات عالی ملکی، جریده رسمی، شماره مسلسل ۱۲۶۵، ۱۲ حوت ۱۳۹۵، تعدیل فقره ۴ ماده ۳.

۱۰. غیائی ندوشن، سعید و خلیلی، ابراهیم، نقش و جایگاه دولت در استقلال دانشگاه، فصلنامه دولت پژوهی، سال چهارم، شماره ۱۴، سال ۱۳۹۷، ۱۹۴.

۱۱. زاهدی، اصل محمد، مفهوم استقلال دانشگاه، مبانی حقوقی، موانع و محدودیت ها، همایش ملی استقلالیات دانشگاه ها، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، سال ۱۳۹۶، ۴۶۶.

۱۲. جلالی، محمد و قتبری، کیومرث، تبیین معیار های مطلوب استقلال دانشگاهی و آثار آن بر آموزش عالی ایران از منظر حقوقی، مدیریت و برنامه ریزی در نظام های آموزشی، دوره سیزده، شماره اول، ۱۳۹۹، ۲۷۴.

۵-۲. پیش نیاز های اساسی تحقق استقلالیت مؤسسات تحصیلات عالی

محققین رشته های مدیریت و حقوق برای استقلالیت مؤسسات تحصیلات عالی پیش نیاز های مختلف در نظر گرفته اند. چنانچه در مقاله (نقش و جایگاه دولت در استقلال مؤسسات تحصیلات عالی)¹³ آقای سعید غیاثی میاورد. «اولا: استقلال نیاز به سیاست های ملی منسجم دارد. عدم قطعیت و تناقضات در وزارت خانه های مختلف و ناسازگاری و تناقض بین سیاست ها و مقررات در سطح ملی پیرامون استقلال مؤسسات تحصیلات عالی، در نهایت شکست تحقق آنرا به دنبال دارد. ثانيا: استقلال مؤسسات تحصیلات عالی باید به عنوان یک فرآیند کاملاً سازمان یافته در نظر گرفته شود. تحقق آن فرآیند تدریجی بوده و به صورت مرحله به مرحله به مورد اجرا گذاشته میشود.. ثالثا: افزایش استقلال را میتوان با تعداد محدودی از مؤسسات تحصیلات عالی شروع و سپس بسط و گسترش داد. نتیجه اینکه حرکت به سمت استقلال مؤسسات تحصیلات عالی در هر کشور نیاز به دو سطح اساسی از ظرفیت مورد نیاز دارد: ظرفیتهای اداری و ظرفیتهای پوهنتونی. ابتدا باید این ظرفیتهای را ایجاد و سپس به سمت استقلال مؤسسات تحصیلات عالی حرکت نمود و در نهایت، استقلال مؤسسات تحصیلات عالی به عنوان یک هدف در آموزش عالی نیست و به خودی خود نمیتواند انتظارات آنرا برآورده کند بلکه وسیله ای است که میتواند دولت ها را در رسیدن به انتظارات از تحصیلات عالی کمک نماید. ضمناً سطح استقلال واگذار شده در هر کشوری به مؤسسات تحصیلات عالی باید با بافت و فرهنگ ملی آن کشور تناسب داشته باشد؛ لذا هیچ مدل یکسانی برای همه کشورها جهت واگذاری میزان اختیارات به مؤسسات تحصیلات عالی وجود ندارد»¹⁴.

همچنان آقای حمید رضا آراسته و همکاران در مقاله ای تحت عنوان آزادی علمی دایره المعارف آموزش عالی پیرامون پیش نیاز های تحقق استقلالیت دانشگاه ها تمهیدات مقدماتی و پیش شرط های ذیل را ارائه می نماید.

1. ارتقای توان برنامه ریزی و مدیریتی مؤسسات تحصیلات عالی؛
2. بهبود نظام مالی و اداری مؤسسات تحصیلات عالی در جذب و استفاده بهینه از منابع و امکانات؛
3. اجتناب از سیاست های تبعیض آمیز و بیطرفی کامل در مورد جناح های سیاسی؛
4. ارتقای کیفیت تحصیل و تحقیق؛
5. افزایش قدرت اعضای هیئت علمی در موضوعات تخصصی؛
6. صیانت از اصالت و جایگاه علمی مؤسسه تحصیلات عالی؛
7. نهادینه کردن مدیریت مشارکتی در مؤسسات تحصیلات عالی؛

13. The role and Position of the Government in the Autonomy of Higher Education institutions

14. غیاثی ندوشن و خلیلی (پیشین) ۱۹۶.

8. سازگاری با محیط پویا و در حال تغییر؛

9. افزایش پاسخگویی مؤسسات تحصیلات عالی¹⁵.

یا آقای (مکس کوتبار)¹⁶ تحقق استقلالیّت مؤسسه تحصیلات عالی را در وجود «(رهبری)¹⁷» (مسئولیت پذیری)¹⁸ (بحث و گسترش اهداف علمی داخلی)¹⁹ (برنامه ریزی ستراتیژیک)²⁰ و (پاسخگویی)²¹ وابسته می داند²². بنا بر نظر داشت پیش زمینه های فوق آزادی و استقلالیّت مؤسسات تحصیلات عالی در ابعاد مختلف در مباحث بعدی بررسی می گردد صورت گرفته می تواند.

۳. مدل های استقلالیّت مؤسسات تحصیلات عالی

در جهان برای استقلالیّت مؤسسات تحصیلی مدل های مختلف ارائه شده ' مشهورترین آن مدلی است که توسط (نیو و وگهت)²³ در مقاله ای تحت عنوان (حکومت و تحصیلات عالی در سازمان های توسعه یافته)²⁴ در سال ۱۹۹۴ ارائه شده است. این مدل خها تحت عناوین ذیل بیان می شود.

۳-۱. مدل کنترل دولتی²⁵

در این مدل مؤسسه تحصیلات عالی به وسیله دولت ایجاد شده و اغلب به طور کامل توسط دولت پشتیبانی مالی میشود. به علاوه دولت بر بسیاری از فرایندها نظارت دارد و برنامه ریزی بسیار با نفوذ سیستم است. در این مدل دولت ملی تقریباً تمام جنبه های فعال سیستم آموزش عالی را کنترل میکند؛ یعنی دریافت لوازمات، برنامه ریزی آموزشی، شرایط فارغ التحصیلی، روشهای امتحانی، انتصاب و استخدام اعضای هیئت علمی ... این مدل اغلب هنگامی بکار گرفته میشود که سیستم آموزش عالی برای تأمین نیاز نیروی انسانی متخصص

15. آراسته ' حمید رضا و دیگران ' آزادی علمی دایره المعارف آموزش ' تهران ' بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی ' ۱۳۸۳ ' ۳.

. Max Kothbauer 16

. Leadership. 17

. Responsibility. 18

. Internal discussion and elaboration of academic goals. 19

. Strategic planning. 20

. Accountability. 21

. Max Kothbauer, Autonomy and its Challenges in a World of Global education, International Association of University Governing Bodies, University of Vienna, Austria, (London 2008), 6

. Neave & Vught 23

. Government and higher education in developing nations 24

. Government control model. 25

بکار گرفته شود. بنابراین حکومت با اعلام نیاز تقویت اقتصاد ملی، مشروعیت خود را در کنترل زوایای سیستم آموزش عالی پیدا میکند.

۲-۳. مدل نظارت دولتی²⁶

در این مدل دخالت از سوی دولت بر مؤسسات تحصیلات عالی ضعیف است. دولت به منظور تضمین کیفیت آکادمیک و تأمین سطح حداقلی از مسئولیت پذیری بر سیستم آموزش عالی نظارت میکند و آن را با ابزارهای قانونگذاری مشروح و کنترل سخت، تحت تأثیر قرار نمیدهد. اینگونه رفتار به استقلال مؤسسات آموزش عالی احترام میگذارد و قابلیت‌های خود تنظیمی این مؤسسات را برمی‌انگیزد. دولت با جدی نشان دادن خود از دور، و با به کارگیری قانونگذاری کلی، وظیفه خود را فقط نظارت در نظر میگیرد²⁷. در افغانستان از مدل اولی پیروی شده و مؤسسات تحصیلات عالی از استقلال کامل برخوردار نمی باشند.

۴. ابعاد (مؤلفه های) استقلال مؤسسات تحصیلات عالی

در حال حاضر مؤسسات تحصیلات عالی نقش محوری و تعیین کننده در توسعه اقتصادی، اجتماعی، علمی، فرهنگی، سیاسی و... دارد. پس افزایش سطح کیفی تحصیلات و اثربخشی نظام تحصیلات عالی اهمیت ویژه ای دارد و یکی از راه های رسیدن به این اهداف، استقلال این نهاد هاست. زیرا دولتها به شیوه های مختلف در امور پوهنتون ها دخالت میکنند. یکی از شیوه رایج عبارت است از استفاده از اختیار قانونی ' شیوه دیگر که بیشتر در اروپا و آمریکا رایج است استفاده از اقتدار مالی و وابستگی مالی مؤسسات تحصیلات عالی به آنه است و شیوه دخالت صریح که بیشتر در کشورهای آسیایی مشاهده شده است²⁸. هدف از ابعاد استقلالیت مؤسسات تحصیلات عالی اساسا شناسائی موارد استقلال آنها است. در جوامع آکادمیک و مدیریت آموزشی این ابعاد به صورت یکسان شناسائی نشده و نظر به شرایط و برخورد کشور ها صاحب نظران ' نظریات مختلف ارائه نموده اند. چنانچه آقای مکس کوتبار مقصود از استقلال مؤسسات تحصیلات عالی را در چهار مورد خلاصه می نماید.

« ۱. استقلال سازمانی: به معنای وجود استقلال و ظرفیت تصمیم گیری برای ساختار داخلی و مأموریت های خاص؛ ۲. استقلال علمی: به عنوان مثال ظرفیت برای تعریف مأموریت های خاص؛ ۳. استقلال شخصی: یعنی ظرفیت برای مدیریت کردن کارکنان علمی و اداری و مسئولیت پذیری برای توسعه فردی؛ ۴. استقلال مالی: در دسترس بودن بودجه به صورت یکجا و ظرفیت در جمع آوری بودجه ها و دارایی ها همراه

. Government oversight model' 26

27. مرندی ' هادی رزاق و دیگران ' استقلال نهادی دانشگاه های دولتی وابسته به وزارت علوم ' تحقیقات و فناوری ایران ' فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران ' دوره پنجم ' شماره چهارم ' سال ۱۳۹۲ ' ۱۴۵-۱۴۶.

28. مرندی ' هادی رزاق و دیگران ' پیشین ' ۱۴۰.

با قابلیت و ظرفیت هزینه کردن کامل بودجه ها بر اساس برنامه های استراتژیک و در نهایت اطمینان از ثبات مالی»²⁹.

به همین قسم آقای حمید جاویدانی در مونوگراف تحقیقی خویش به نقل از (ژان دوگراف³⁰) و همکارانش ابعاد استقلال مؤسسات تحصیلات عالی را چنین بیان میکند.

۱. استقلال بنیادی یا ذاتی؛ بر این اساس مؤسسات تحصیلات عالی حق دارد برنامه های تحصیلی و اهداف خود را که از بنیادپترین مأموریت های آن است تدوین کند؛ این مفهوم بیشتر ناظر به آزادی علمی است. ۲. استقلال رویه ای و نظامنامه ای : طوری است که بر مبنای آن مؤسسات تحصیلات عالی مقاصد خود را برای به انجام رساندن اولویت هایی که از قبل برای او به مثابه بخشی از سیاست ملی تعیین شده، دنبال کند. استقلال مدیریتی از این مفهوم استخراج میشود.

۳. استقلال سازمانی : بیشتر به بخش ساختاری مؤسسات تحصیلات عالی باز میگردد و اعضای هیئت علمی، بر اساس مهارتها و تخصص های خویش این حق را خواهند داشت که سازمان علمی خود را سامان بخشند»³¹.

ضمناً آقای (اریک اشبای³²) در تحلیل ابعاد استقلال پوهنتون ها بیان میکند.

۱. رهایی مداخلات غیر علمی در مدیریت مؤسسه تحصیلی و آزادی عمل در استخدام و تعیین شرایط کار (استقلال مدیریتی)

۲. آزادی عمل در تخصیص منابع مالی به نحویکه مؤسسه مناسب میداند (استقلال مالی)

۳. آزادی عمل در گزینش محصلان و آزادی در طراحی و ارائه مواد درسی آزادی در وضع معیارها و تعیین روش ارزیابی (آزادی علمی)»³³.

با در نظر داشت نظریات دانشمندان و شرایط عملی در کشور های پیشرفته دنیا (انجمن بین المللی پوهنتونها³⁴) سه موضوع را به عنوان ابعاد استقلالت مؤسسات تحصیلات عالی به رسمیت شناخته است. استقلال

. Ibid, 629

. Jandegroof. 30

31. جاویدانی ' حمید ' استقلال علمی ' تهران ' مونوگراف ' موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی ' ۱۳۸۲ ' ۱۳

Ashby. .. E32

33. تایت ' ام ' استقلال سازمانی ' مترجم: قاسم جابر پور ' گزیده مقالات دایرة المعارف آموزش عالی ' تهران ' موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی ' ۱۹۹۵ ' ۱۱.

. IAU (International Association of Universities)34

سازمانی ' استقلال مدیریتی و استقلال بیرونی. اما مهمترین تحقیقی که ابعاد استقلال مؤسسات تحصیلات عالی را به طور کامل و مشروح، مورد بررسی و نقد قرار داده است به مطالعات (انجمن پوهنتونهای اروپایی³⁵) بر میگردد.

این تحقیق سی و چهار کشور اروپایی را با بیش از سی شاخص در چهار حوزه کلیدی مورد مقایسه قرار داده است. این چهار حوزه عبارتند از:

1. استقلال سازمانی³⁶ (تنظیم ساختارها و قوانین پوهنتون ' عقد قراردادهای انتخاب نهادها و افراد تصمیم گیر...)
2. استقلال مالی³⁷ (کسب و تخصیص بودجه ' تصمیم گیری در مورد فیس ' انباشتن مازاد هزینه ها...)
3. استقلال علمی³⁸ (تصمیم گیری در باره عرضه اسناد تحصیلی ' برنامه های درسی ' انتخاب روش های تدریس ' اهداف و روش های تحقیق...)
4. استقلال استخدامی³⁹ (مسئولیت استخدام کارکنان اداری و کادر علمی ' تعیین سقف مزد ' ترفیع ' تنزیل ' تقاعد کارکنان...)⁴⁰

در نظام حقوق افغانستان مؤلفه های استقلال اکادمیک (علمی) ' مالی و اداری مؤسسات تحصیلات عالی در فقره نهم ماده چهارم قانون تحصیلات عالی انگشت شمار شده و وزارت تحصیلات عالی را مکلف و موظف نموده است تا آنها را حمایت نماید. «... حمایت از استقلال اکادمیک ' مالی و اداری مؤسسه

این انجمن جهانی از سوی سازمان بین المللی یونسکو برای بنیادهای آموزش عالی در سال ۱۹۵۰ تاسیس شده و دفتر مرکزی آن در شهر پاریس کشور فرانسه در ساختمان دفتر مرکزی یونسکو موقعیت داشته اما مستقل از یونسکو فعالیت می نماید. در این نهاد جهانی ۱۲۱ کشور عضو بوده و بیش از ۶۰۰ پوهنتون عضویت دارد. افغانستان در سال ۲۰۱۱ عضویت این نهاد را دریافت نموده و در آن سال ۱۱ پوهنتون افغانستان (پوهنتون مرکزی کابل، پوهنتون پولی تکنیک کابل، پوهنتون تعلیم تربیه در کابل، پوهنتون طبی کابل، پوهنتون هرات، پوهنتون مزار، پوهنتون قندهار، پوهنتون خوست، پوهنتون پکتیا، پوهنتون ننگرهار و پوهنتون کنر) عضویت این انجمن را دریافت نمودند. متأسفانه این پوهنتون ها با گذشت زمان نتوانست معیار تعیین شده از سوی این نهاد جهانی را حفظ نمایند و فعلاً از افغانستان تنها پوهنتون کاردان عضویت این نهاد جهانی را دارا می باشد. فعلاً از میان تمام کشور ها بیشترین عضویت را در نهاد پوهنتون های کشور هندوستان دارد.

35 EAU (European Association Universities)

. Organizational Autonomy.36

. Financial autonomy.37

. Academic autonomy.38

. Staffing autonomy 39

40 . اسدی ' محمد ' نقش عوامل استقلال دانشگاهی در رتبه بندی دانشگاه های اروپایی ' فصلنامه آموزش عالی جدید ' سال نهم ' شماره ۳۶ ' زمستان ۱۳۹۵ ' ۳۷-۳۸.

تحصیلات عالی واجد شرایط⁴¹». در ادامه با در نظر داشت معیارات بین المللی و اسناد تقنینی این مؤلفه ها یا ابعاد استقلالیّت مؤسسات تحصیلات عالی با شاخص های آنها بررسی می گردد.

۴-۱. استقلال سازمانی مؤسسات تحصیلات عالی

از نگاه مفهومی استقلالیّت سازمانی « استقلال سازمانی به معنای وجود استقلال و ظرفیت تصمیم گیری برای ساختار داخلی و مأموریت های خاص در پوهنتون است⁴² » هدف اساسی از استقلال سازمانی عبارت از ساختار و اعضای هیئت علمی ان می باشد⁴³ یعنی استقلالیّت سازمانی اقتضا می کند تا مؤسسه تحصیلات عالی از (شخصیت حقوقی⁴³) مستقل از شخصیت دولت و وزارت تحصیلات عالی برخوردار باشد که بر اساس آن بتواند یکی از (آثار شخصیت حقوقی⁴⁴) را تمثیل نماید. بر این اساس مؤسسه حق خواهند داشت که ساختار خود را که غالباً در برگزیده ریاست مؤسسه⁴⁵ معاونیت ها (معاونیت علمی و اداری) پوهنچی⁴⁶ دیپارتمنت⁴⁶ کمیته ها⁴⁶ مدیریت تدریسی و برنامه های درسی را در جریان سال بر اساس اساسنامه و اهداف خویش تشکیل دهد. در اکثر کشورها⁴⁶ مؤسسات تحصیلات عالی آزادی نسبی برای تصمیم گیری در ساختارهای اداری خود دارند. ولی با یک چارچوب نظارت قانونی، ظرفیت آنها برای شکل دادن به ساختارهای علمی داخلی شان محدود میشود⁴⁵. اگر چه مؤسسه تحصیلات عالی، همواره در بستر یک چارچوب نظارتی عمل میکنند اما میزان و جزئیات این مقررات به طور قابل توجهی متفاوت است که به استقلال سازمانی مؤسسه مربوط میشود⁴⁶.

قانون تحصیلات عالی ملکی افغانستان موضوع استقلالیّت سازمانی مؤسسات تحصیلات عالی را در (فصل سوم⁴⁷) به شکل منظم بیان نموده است. عالیتترین مقام مؤسسات تحصیلات عالی بر اساس این قانون رئیس

41. قانون تحصیلات عالی ملکی⁴⁷ فقره ۹ ماده ۴.

. Kothbauer, Ibidem, 6.42

43. شخصیت حقوقی اجتماع سازمان یافته ای از اشخاص یا اموال برای دست یابی به هدف مشترک در قالب قانون است⁴⁷ بر اساس ماده ۳۳۸ قانون مدنی شخصیت حقوقی دو نوع (شخصیت حقوقی عام و خاص) می باشد. برای معلومات بشیرتر مراجعه نماید. (دانش⁴⁷ سرور⁴⁷ حقوق اداری افغانستان⁴⁷ چاپ سوم⁴⁷ کابل⁴⁷ نشر دانشگاه ابن سینا⁴⁷ ۱۳۹۹⁴⁷ ۱۰۸-۱۳۰) و وزارت عدلیه⁴⁷ قانون مدنی افغانستان⁴⁷ جریده رسمی⁴⁷ شماره مسلسل ۳۵۳⁴⁷ سال ۱۳۵۵⁴⁷ ماده های ۳۳۸ الی ۳۴۲.

44. آثاری حقوقی داشتن شخصیت حقوقی (1. استقلال مالی 2. اهلیت حقوقی 3. حق مراجعه به محکمه 4. اقامتگاه مستقل 5. مسئولیت شخصی⁴⁷ 6. استفاده از قدرت عمومی 7. کارمندان خدمات ملکی 8. اموال جداگانه 9. نظارت بر عملکرد). (همان⁴⁷ ۱۲۳-۱۲۶).

45. جاویدانی⁴⁷ (پیشین)⁴⁷ ۱۵.

46. غیائی ندوشن و خلیلی⁴⁷ (پیشین)⁴⁷ ۱۹۹.

47. فصل سوم قانون تحصیلات عالی ملکی ساختار اداری یا سازمانی مؤسسات تحصیلات عالی را چنین بیان نموده است. (شورای علمی⁴⁷ رئیس و معاونین⁴⁷ مجلس اداری⁴⁷ رئیس و معاون پوهنچی⁴⁷ دیپارتمنت و مدیریت تدریسی)

می باشد. که بر اساس ماده ۲۰ ایت قانون به پیشنهاد وزیر تحصیلات عالی و تأیید رئیس جمهور تعیین می گردد که خلاف اصل استقلالیت می باشد. «... رئیس مؤسسه تحصیلات عالی از میان استادان (پوهاند پوهنوال و پوهندوی) موسس مربوط به پیشنهاد وزیر تحصیلات عالی و منظوری رئیس جمهور برای مدت پنج سال تعیین می گردد...»⁴⁸. این ماده بعد از تعدیلی که در سال ۱۳۹۵ به قانون تحصیلات عالی وارد گردید چنین تغییر نموده است « رئیس مؤسسه تحصیلات عالی از میان استادان و معاونان استادان دارای سند تحصیلی ماستری یا دکتورا و تجربه کاری حداقل پنج سال به پیشنهاد وزیر تحصیلات عالی و منظوری رئیس جمهور برای مدت پنج سال تعیین می گردد»⁴⁹. این در حالی است که قانون تحصیلات عالی سال ۱۳۶۸ تعیین رئیس مؤسسه تحصیلات عالی را از طریق انتخابات بیان کرده بود. « رئیس مؤسسه تحصیلات عالی از جمله اعضای کادر علمی مؤسسه در صورتی که دارای رتبه علمی پوهاند پوهنوال و پوهندوی باشد توسط اعضای کادر علمی مؤسسه تحصیلات عالی از طریق انتخابات آزاد سری و مستقیم به اکثریت آرا برای مدت سه سال انتخاب می گردد. انتخابات مجدد رئیس مؤسسه تحصیلات عالی صرف برای یک دوره دیگر صورت گرفته می تواند»⁵⁰.

امروزه عوامل بسیاری آزادی عمل و انعطاف پذیری رهبران مؤسسه تحصیلات عالی را محدود کرده است. زیرا روسا خود را هر چه بیشتر مانند (مدیر میانی⁵¹) میبایند تا رهبر مستقل یک نهاد علمی رئیس خود را در مقابل رهبران سیاسی پاسخگو دانسته و حکومت به سادگی می تواند بر پوهنتون سلطه داشته و در واقع استقلالیت آنرا نابود نماید. در حالیکه دولت باید سازوکارهایی فراهم نماید که در آن هم استقلال اولیه پوهنتون ها حفظ شود و هم آنها را در استفاده از وجوه عمومی پاسخگوتر سازد. از جهت دیگر بر اساس ماده سوم طرز العمل ترتیب تصنیف و مصرف قانونمند بودجه مؤسسات تحصیلات عالی در سطح مؤسسه تحصیلات عالی باید مجلس اداری مؤسسه بخاطر امور مؤسسه تشکیل شود که تشکیل آن خلاف استقلالیت سازمانی می باشد « مجلس اداری مؤسسه تحصیلی ترکیبی از معاونان و مسئولین سایر شعبات مؤسسه تحصیلی است که بر اساس پیشنهاد معاون مالی و اداری و تأیید شورای علمی مؤسسه مربوطه و منظوری وزارت

48. قانون تحصیلات عالی ملکی فقره ۲ ماده ۲۰.

49. وزارت عدلیه، تعدیل ایزاد و حذف برخی مواد قانون تحصیلات عالی ملکی، جریده رسمی، شماره مسلسل

۱۲۶۵، ۱۲ حوت ۱۳۹۵، تعدیل فقره ۲ ماده ۲۰.

50. وزارت عدلیه، قانون تحصیلات عالی ملکی، جریده رسمی، شماره مسلسل ۷۰۳، مورخ ۹ عقرب ۱۳۶۸، ماده ۱۹.

51. در علم مدیریت، مدیریت دارای سه سطح می باشد. (۱. مدیر سطح عالی یا ارشد، ۲. مدیر سطح میانی، ۳. مدیر عملیاتی یا سطح پائین، برای معلومات بیشتر مراجعه نمائید. رحمانی، عبداللطف، مبانی و اصول اداره و مدیریت، کابل، نشر سعید، ۱۳۷۹) در مؤسسات تحصیلات عالی دولتی وزیر تحصیلات عالی حیثیت مدیر سطح عالی، رئیس پوهنتون حیثیت مدیر سطح میانی و روسای پوهنخی ها حیثیت مدیر عملیاتی را دارند.

تحصیلات عالی ایجاد می گردد⁵². تشکیل این مجلس در سازمان دهی مؤسسه موثر بوده اما تأیید آن توسط وزارت تحصیلات عالی خلاف استقلالیات سازمانی می باشد.

استقلال سازمانی مؤسسات تحصیلات عالی ایجاب میکند که رئیس پوهنچی ها بدون مداخله مقامات دولتی از میان اعضای کادر علمی باشد در حالیکه قانون تحصیلات عالی چنین استقلالیات را به رسمیت نشناخته است. « رئیس پوهنچی از میان استادان (پوهاند، پوهنوال و پوهندوی) پوهنچی مربوط به پیشنهاد وزیر تحصیلات عالی و منظوری رئیس جمهور برای مدت پنج سال تعیین می گردد⁵³ ». این ماده بعد از تعدیلی که در سال ۱۳۹۵ به قانون تحصیلات عالی وارد گردید چنین تغییر نموده است « رئیس پوهنچی از میان استادان و معاون استادان دارای سند تحصیلی ماستری یا دکتورا و تجربه کاری حداقل پنج سال به پیشنهاد وزیر تحصیلات عالی و منظوری رئیس جمهور برای مدت پنج سال تعیین می گردد⁵⁴ ». تعیین رئیس پوهنچی به پیشنهاد وزیر تحصیلات عالی و منظوری رئیس جمهور خلاف اصل استقلالیات سازمانی می باشد. این درحالیست که قانون تحصیلات عالی ملکی سال ۱۳۶۸ رئیس پوهنچی را انتخابی بیان نموده بود. « رئیس پوهنچی از بین اعضای کادر علمی پوهنچی که دارای رتبه علمی پوهندوی یا بالاتر از آن باشد توسط اعضای کادر علمی پوهنچی از طریق انتخابات آزاد، سری و مستقیم به اکثریت آراء برای مدت سه سال انتخاب می گردد. انتخاب مجدد رئیس پوهنچی صرف برای یک دوره دیگر صورت گرفته می تواند⁵⁵ ».

موضوع دیگر در قسمت استقلالیات سازمانی اتخاذ تصامیم قانونی و وضع قواعد حقوق توسط مؤسسه در موضوعات داخلی مؤسسه است. قانون تحصیلات عالی ملکی در این قسمت صلاحیت های به شورای علمی پوهنتون و پوهنچی داده است. بر اساس ماده ۱۸ این قانون شورای علمی عالی ترین مرجع تصمیم گیری بوده و دارای صلاحیت های ذیل است. « ... پیشنهاد طرح و تعدیل لوایح و تصویب طرز العمل های مربوطه...⁵⁶ » و همچنان بر اساس فقره ۱۰ ماده ۲۸ این قانون یکی از صلاحیت های شورای علمی پوهنچی طرح و تصویب طرز العمل های داخلی دانسته شده است. اما باید به خاطر داشت که تصاویب مراجع یاد شده تنها به خود مؤسسه لازمی بوده و خارج از مؤسسه حیثیت الزامی ندارد.

بنا اداره امور مؤسسات تحصیلات عالی در کشورما، در وضعیت آشفته ای به سر میرد. زیرا قوانین نافذ حکومت را در پی کنترل نهادی قرار داده است که ماهیت کاری آن به شدت گریزان از مداخلات سیاسی

52. وزارت تحصیلات عالی طرز العمل ترتیب تصنیف و مصرف قانونمند بودجه مؤسسات تحصیلات عالی شماره ۳۲۵ سال ۱۳۹۹ فقره ۷ ماده ۳.

53. قانون تحصیلات عالی ملکی ۱۳۹۴ ماده ۲۴.

54. وزارت عدلیه تعدیل ایژاد و حذف برخی مواد قانون تحصیلات عالی ملکی جریده رسمی شماره مسلسل ۱۲۶۵ تعدیل ماده ۲۴.

55. قانون تحصیلات عالی ملکی ۱۳۶۸ ماده ۲۸.

56. قانون تحصیلات عالی ملکی ۱۳۹۴ فقره ۱۵ ماده ۱۸.

و سلیقه ای می باشد. متأسفانه دخالت حکومت در پوهنتون ها همواره به طرفداری از عقاید خاص یک گروه و بر ضد گروهی دیگر بوده است. این امر هم در مورد نظام های دیکتاتوری مصداق دارد و هم تا حد کمتری در مورد نظام های دموکرات متأسفانه این دخالت ها حتی در رژیم های تندرو و دیکتاتوری به خشونت آشکار منجر شده است.⁵⁷ نهاد های تحصیلی دولتی مؤسسه ای است که تحت مجوز رسمی استقلالیت دارند. اما در عین حال باید به حکومتی که به آن مجوز میدهد و از آن حمایت میکند پاسخگو باشد. بنابراین از لحاظ قانونی وضعیت دوگانه، پر از ابهام و حتی پُر تنش دارد. نباید فراموش نمود حکومت به سادگی میتواند بر نهاد های علمی سلطه داشته باشد⁵⁸ در واقع مؤسسات تحصیلات عالی بدون کمک دولت ناتوان است.⁵⁸

نکته اخیر در موضوع استقلالیت سازمانی تعیین زمان شروع و ختم سمستر است⁵⁹ که مؤسسات تحصیلی دولتی در این عرصه هیچ نوع استقلالیت نداشته و حتی در بازه پوهنتون های دولتی در سه ماه زمستان نسبت نبود امکانات بسته می باشد و پیشنهاد می گردد⁶⁰ که این صلاحیت در حیطه شورای علمی مؤسسات تحصیلات عالی باشد.

در اخیر مهم ترین اقداماتی که تا حال حکومت برای جلوگیری از استقلالیت سازمانی مؤسسات تحصیلات عالی انجام داده قرار ذیل است.

1. تنظیم روابط مؤسسات تحصیلات عالی دولتی با کشور های خارجی و مؤسسات علمی بین المللی از سیاست های حکومت تبعیت میکند.
 2. چون سیستم اداری کشور یک سیستم اداری متمرکز است بنا همه امور تحصیلات عالی از برنامه ریزی، مدیریت⁶¹ تعیین و منابع مالی، روند های اداری، قواعد و مقررات توسط دولت و حکومت تهیه میگردد، مسئولین نهاد های تحصیلی جز اجرای مصوبات، نقش دیگری نداشته و اصولاً طرح مفاهیمی چون برنامه ریزی، تفکر، طراحی، خلاقیت، تصمیم سازی و پاسخگویی نیز جایگاه روشنی ندارد.
- در حالیکه طراحی (ساختارهای علمی و اداری داخلی)⁵⁹ پوهنتون ها، تا حد زیادی تحت کنترل خودشان قرار دارد اما (ساختارهای حکومتی و رهبری)⁶⁰ آنها اغلب و به شدت، از سوی مسئولان و سیاستمداران شکل میگردد.

57. یاس پرس ' کارل ' ایده دانشگاه ' ترجمه : مهدی پارسا و مهرداد پارسا ' تهران ' انتشارات ققنوس ' ۱۳۹۴ ' ۱۵۹ .

58 . همان ' ۱۶۲ .

59. Internal academic and administrative structures.

60. Governance structures and leadership.

3. بخش اعظمی از استقلال سازمانی به فرآیند انتخاب رئیس و اعضای اصلی تصمیم گیری در درون مؤسسات تحصیلات عالی بر میگردد که این مهم معمولاً با مشکلات اساسی از جمله حضور سیاسیون و دولتیها، مواجه است.⁶¹

۲-۴. استقلال مالی مؤسسات تحصیلات عالی

پوهنتون ها و مراکز تحصیلات عالی به عنوان موتور محرک تولید اندیشه محسوب می شوند، اگر جامعه اکادمیک به لحاظ تامین بودجه مستقل باشد، دچار کم تحرکی و عدم پویایی نمی شود. استقلالیات (مالی)⁶² مؤسسات تحصیلات عالی عبارت از آزادی عمل در تامین درآمد و مخارج یا استقلالیات مالی در دسترس بودن بودجه به صورت یکجا، ظرفیت در جمع آوری درآمدها همراه با قابلیت و ظرفیت هزینه کردن کامل آن بر اساس برنامه ها و در نهایت اطمینان از ثبات مالی است.⁶³ داشتن استقلالیات مالی ایجاب میکند که مؤسسات تحصیلات عالی دارای (بودجه⁶⁴) جدا از وزارت تحصیلات عالی باشد. بر اساس ماده ۶۵ قانون تحصیلات عالی ملکی «بودجه عادی و انکشافی سالانه» توسطه مؤسسه تحصیلات عالی دولتی به اساس پلان انکشافی و عادی هر مؤسسه ترتیب و جهت طی مراحل قانونی به وزارت تحصیلات عالی ارسال شده و توسط خودش تطبیق می گردد. مؤسسه تحصیلات عالی به منظور انکشاف و پیشبرد و اهداف خود خدمات و فعالیت های عایداتی را عرضه و کمک های اشخاص حقیقی و حکمی داخلی و خارجی را جلب و از این کمک ها و سایر عواید با رعایت احکام مقرر استقلالیات مالی پوهنتون ها استفاده به عمل آورد⁶⁵». همچنان بر اساس ماده پنجم طرز العمل ترتیب تصنیف و مصرف قانونمند بودجه مؤسسات تحصیلات عالی «مؤسسات تحصیلات

61. ندوشن و خلیلی (پیشین) '۲۰۸.

62. کلمه مالی (Finance) در دو مفهوم مفرد و جمع بکار رفته است. در صیغه مفرد عبارت از پول نقد و فعالیت اشخاص که این پول را بدست میاورند و در صیغه جمع عبارت از حالت دارائی و منابع پولی اشخاص است. در کل عبارت از تامین منابع عایداتی و تمویل مخارج عمومی اشخاص است. (رحمانی ' عبداللطیف حقوق مالی ' کابل ' انتشارات سعید ' ۱۳۹۹ ' ۱۱).

63. ندوشن و خلیلی ' پیشین ' ۲۰۴.

64. بودجه (Budget) واژه فرانسوی است و به خریده چرمی اطلاق می شود که در آن وجه نقد را نگهداری میکنند. اما از زبان فرانسوی وارد زبان انگلیسی شده و در بریتانیا به خریده ای اطلاق می گردید که در آن مخارج مورد نیاز پادشاه نگهداری می شد. در اصطلاح عبارت از پیش بینی درآمد و سایر منابع تامین اعتبار و برآورد هزینه برنامه و عملیات معینی که در دوره محدودی از زمان انجام می شود. (موسی زاده ' رضا ' مالیه عمومی ' چاپ دهم ' تهران ' نشر میزان ' ۱۳۹۳ ' ۱۴۴). در نظام حقوقی افغانستان بودجه چنین تعریف شده است «طرز العمل بودجه سالانه : عبارت از سندی است که تمام صلاحیت های بودجوی و منابع مصارف دولت برای سال مالی در آن درج می باشد» (وزارت عدلیه ' قانون امور مالی و مصارف عامه ' جریده رسمی ' شماره مسلسل ۸۹۳ ' سال ۱۳۸۴ ' ماده ۲)

65. قانون تحصیلات عالی ملکی ' ۱۳۹۴ ' ماده ۶۵.

عالی' بودجه عادی و انکشافی خود را مطابق (روش بودجه بندی مبتنی به برنامه⁶⁶) در پیوند با برنامه های وزارت تحصیلات عالی... ترتیب میکند⁶⁷». همچنان ماده شش این مقرر ترتیب بودجه عادی و انکشافی و موارد آنرا بیان نموده است. آنچه از این مواد ۲-۷ مقرر استقلالیت مالی پوهنتون معلوم می گردد. مؤسسات تحصیلات عالی باید دارای منابع عایداتی و مخارج مختص به خود باشند. بنا هر دوی این مفاهیم را بررسی می نمائیم.

۱-۲-۴. درآمد های مؤسسات تحصیلات عالی

درآمد یا عواید عبارت از ورود پول یا دارایی یا ایجاد طلب بابت ارائه خدمات را گویند. بر اساس ماده سوم قانون امور مالی و مصارف عامه «عواید وجهی است که از طرف دولت دریافت گردیده و در آن حق انتفاع داشته باشد. دریافت های که سبب افزایش قروض، بازپرداخت قروض اعطاء شده یا کاهش در مصارف گردد، از این امر مستثنی است»⁶⁸. هدف از استقلالیت مالی مؤسسات تحصیلات عالی تامین مصارف این نهاد توسط دولت و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی می باشد. بر اساس مواد مختلف مقرر استقلالیت مالی پوهنتون ها منابع عایداتی پوهنتون ها قرار ذیل مشخص شده است.

عواید ناشی از بودجه دولتی

تمام مؤسسات تحصیلات عالی دولتی از اینکه جزء بدنه دولت اند' از طریق وزارت تحصیلات عالی دارای بودجه معین باید باشند. این موضوع در ماده ۶۵ قانون تحصیلات عالی ملکی چنین بیان شده است. «بودجه عادی و انکشافی سالانه توسط مؤسسات تحصیلات عالی دولتی به اساس پلان عادی و انکشافی هر مؤسسه ترتیب و جهت طی مراحل به وزارت تحصیلات عالی ارسال می گردد...»⁶⁹. امروزه، پوهنتون های دولتی نمی تواند به دلایل اقتصادی کاملاً مستقل از حکومت و جامعه باشند. حتی معروف ترین پوهنتون های آمریکا نمیتوانند بدون نوعی وابستگی اقتصادی به دولت ادامه حیات دهند⁷⁰.

همچنان بر اساس ماده چهارم مقرر استقلالیت مالی پوهنتون ها «وزارت تحصیلات عالی مکلف است ترتیب بودجه سالانه' بودجه مکمل پوهنتون های مستقل را که دارای استقلالیت مالی می گردند' معین و جدا

66. بودجه بر اساس برنامه : بودجه است که در آن اعتبارات بر حسب وظایف' برنامه و فعالیت های سازمان پیشبینی شده باشد. (تینگار' سید محمد' تیوری و سیاست بودجه عامه' چاپ دوم' کابل' نشر سهر' ۱۳۹۸' ۷۷) و برای دانستن روش های بودجه بندی مراجعه نمائید. رحمانی' پیشین' صفحات ۱۸۷-۱۹۳.

67. وزارت تحصیلات عالی' طرز العمل ترتیب' تصنیف و مصرف قانونمند بودجه مؤسسات تحصیلات عالی' شماره ۳۲۵' سال ۱۳۹۹' فقره ۵ ماده ۵.

68. قانون امور مالی و مصارف عامه' ماده ۳.

69. قانون تحصیلات عالی ملکی' ۱۳۹۴' فقره ۱ ماده ۶۵.

70. صالحی' غلام رضا ذاکر' بررسی ابعاد حقوقی و مدیریتی استقلال دانشگاه ها در ایران' فصلنامه پژوهشی و برنامه ریزی در آموزش عالی' شماره ۵۳' سال ۱۳۸۸' ۸۴.

سازد⁷¹». بنا دولت اولین تمویل کننده منابع مالی مؤسسات تحصیلات عالی بوده و در تامین بودجه عادی و انکشافی پوهنتون ها سهیم بوده و بدون دولت مشکلات مالی دنبال مؤسسات تحصیلی خواهند آمد.

عواید ناشی از عرضه خدمات

در نظام حقوقی افغانستان بر اساس ماده ۴۳ قانون اساسی 'تعلیم و تحصیل در مؤسسات تحصیلی دولتی تا مرحله لیسانس رایگان می باشد' «تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در مؤسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تامین مر گردد...»⁷². اما مساعد ساختن زمینه در مرحله فوق لیسانس توسط مؤسسات تحصیلات عالی دولتی در برابر پول انجام می شود 'که این خود زمینه عاید را مساعد می سازد. ضمنا این موضوع بر اساس ماده ۵ مقررہ استقلالیات مالی پوهنتون ها تحت عنوان وجوه مالی عرضه خدمات معین شده است «عواید ناشی از عرضه خدمات علمی و مسلکی توسط واحد مالی مربوط جمع آوری' مشخص و به حساب واردات دولت تحویل بانک می گردد»⁷³. بر اساس این ماده پوهنتون ها از عرضه خدمات علمی خود می توانند عواید داشته باشند واریز شدن عواید ناشی از خدمات به حساب واحد دولت خلاف اصل استقلالیات مالی بوده و باید به حساب واحد پوهنتون واریز گردد.

عواید ناشی از جلب کمک اشخاص خصوصی

مؤسسات تحصیلات عالی بر اساس فقره دوم ماده ششم مقررہ استقلالیات مالی می توانند به اجازه وزارت مالیه جهت جلب کمک اشخاص حقیقی و حقوقی حساب بانکی جدا افتتاح نمایند. بر اساس فقره اول ماده ششم «اشخاص حقیقی و حکمی داخلی و خارجی ذیعلاقه که نخواهند کمک های شان از طریق بودجه ملی به مصرف برسد' می توانند به پوهنتون های دارای استقلالیات مالی مستقیما کمک نمایند»⁷⁴. این مقررہ شرایطی را بخاطر جمع آوری این کمک ها مقرر نموده که کمک ها باید توسط هیئت امناء که متشکل از رئیس پوهنحی' آمرین دیپارتمنت ها و یک نفر استاد از هر دیپارتمنت می باشد. جمع آوری شده و مصرف نماید. این کمک ها در عرصه های علمی' مسلکی و تحقیقی تحت نظارت هیئت اما توسط پوهنحی صورت میگردد. که گام مثبت در عرصه استقلالیات مالی مؤسسات تحصیلات عالی کشور می باشد.

عواید ناشی از تحقیقات علمی

مؤسسات تحصیلات عالی منحصیث شخصیت حقوقی مستقل می توانند در برابر پروژه های تحقیقاتی که توسط دولت' مؤسسات بین المللی و سکتور خصوصی' که انجام می دهند حق اجرت دریافت نمایند. این موضوع

71. وزارت عدلیه' مقررہ استقلالیات مالی پوهنتون ها' جریده رسمی' شماره مسلسل ۱۱۲۳' سال ۱۳۹۲' ماده ۴.

72. وزارت عدلیه' قانون اساسی' جریده رسمی' شماره مسلسل ۸۱۸' سال ۱۳۸۲' ماده ۴۳.

73. مقررہ استقلالیات مالی پوهنتون ها' ماده ۵.

74. همان' ماده ۶.

در ماده دوم مقررہ استقلاليت مالی چنين بيان شده است « بدست آوردن منابع مالی و عوايد برای پيشبرد تحقيقات علمی و توسعه برای انکشاف پوهنتون⁷⁵ ». امروزه در تمام دنيا مؤسسات تحصيلات عالی بزرگترين مراکز تحقيقاتی در عرصه های علوم طبیعی و اجتماعی بوده و از اين مدرک بزرگترين عايد را نصيب می شود.

عوايد ناشی از (اختراع⁷⁶) و (اکتشاف⁷⁷)

نهاد های تحصيلی می توانند از طريق تکميل تحقيقات در ساحات مختلف باعث اختراع وسایل و ابزار های مفيد گردند. بر اساس قانون حمايت از حقوق محترع و مکتشف حمايت از حقوق مادی و معنوی محترع و مکتشف یکی از اهداف قانون بوده و بر اساس ماده چهارم اين قانون « اختراع و اکتشاف حق انحصاری محترع و مکتشف است که شامل عرصه های توليدی، پروسس، تکنالوژی جديد و قدمه اختراعی که قابليت کاربرد صنعتی را داشته باشد، مورد حمايت قرار می گيرد. مشروط بر اينکه مطابق قانون ثبت شده باشد⁷⁸ ». بنا مؤسسات تحصيلی ميتوانند با انجام اختراعات و اکتشافات سبب عايدات گردند. متاسفانه اين موضوع در قوانين تحصيلی افغانستان برای مؤسسات تحصيلات عالی منبع عايدات بيان نشده است.

عوايد ناشی از توليدات علمی (تالیف و ترجمه)

نهاد های تحصيلی با تالیف و ترجمه کتب درسی و کتب تحقيقي توسط اعضای کدر علمی می توانند سبب عوايد شوند. بر اساس فقره اول ماده هفتم قانون حمايت از حقوق مولف، مصنف، هنرمند و محقق ۲۱ مورد از آثار مورد حمايت حمايت قرار گرفته از حقوق مادی و معنوی آن صاحبس مستفيد میگردد. « آثار ذيل مورد حمايت قرار می گيرد. ۱. اثر ادبی مانند کتاب، مقاله، رساله، بورشر...⁷⁹ ».

بنا تالیف، ترجمه ... می تواند برای مؤسسات تحصيلی منبع عايداتی خوب باشد. متاسفانه در افغانستان تالیفات ... بیشتر توسط اشخاص حقيقي صورت میگیرد و صاحب امتياز آن خود افراد می باشد. بنا پوهنتون ها می تواند با راه اندازی برنامه های تحقيقي مشترک با اعضای کادر علمی خود هم سبب توليد علم گردد و هم عوايد خود را بالا ببرد.

75. همان، ماده ۲ فقره ۲.

76. اختراع: ایجاد پدیده جديد یا استفاده از وسایل موجود به طريق جديد است جهت حصول یک نتیجه یا محصول صنعتی، زراعتی و یا خدماتی که قبل از آن مثل نداشته باشد. (وزارت عدلیه، قانون حمايت از حقوق محترع و مکتشف، جريدده رسمی، شماره مسلسل ۱۲۲۷، سال ۱۳۹۵، فقره ۲ ماده ۳.)

77. اکتشاف: آشکار ساختن پدیده موجود است که قبل از آن پنهان بوده و بدسترس قرار نداشته باشد (همان، فقره ۳ ماده ۳.)

78. همان، ماده ۴.

79. وزارت عدلیه، قانون حمايت از حقوق مولف، مصنف، هنرمند و محقق، جريدده رسمی، شماره مسلسل ۱۲۳۰، سال ۱۳۹۵، فقره ۱ ماده ۷.

عواید ناشی از برگزاری برنامه های علمی و هنری

تدویر کنفرانس های علمی و دعوت از صاحب نظران ملی و بین المللی رشته های مختلف علوم و عرضه این برنامه ها به رسانه های ملی و بین الملل در مقابل پول^{۸۰} همچنان تدویر تورنمنت های ورزشی و اخذ پول از تماشا کننده گان عواید را خواهد بود در این موضوع در مقرر استقلالیات مالی پوهنتون ها حکمی وجود ندارد. بنا پیشنهاد می گردد^{۸۱} تا در تعدیل این مقرر موارد مورد یاد شده درج گردد.

عواید ناشی از تدویر کافه^{۸۲} هتل و مراکز تفریحی

مؤسسات تحصیلی از طریق تدویر کافه ها یا هتل در داخل مؤسسه می توانند عواید بدست آورده و همچنان از ایجاد مراکز تفریحی برای خانواده سبب عاید گردند. این موضوع متاسفانه در قوانین افغانستان بیان نشده است. این در حالی است که در داخل پوهنتون های دولتی کافه و هتل توسط سکتور خصوصی راه اندازه شده و عاید هنگفتی را نصیب شان می نماید.

عواید ناشی از سرمایه گذاری و خرید املاک : مؤسسات تحصیلی در صورت داشتن استقلالیات مالی می توانند سرمایه خود را در بخش های مختلف (مارکیت ها^{۸۳} ساخت شهرک ها^{۸۴} خرید و فروش املاک...) سرمایه گذاری نموده و از طریق آن سبب عاید گردند. در اخیر باید یاد شد^{۸۵} که بر اساس ماده چهاردهم مقرر استقلالیات مالی پوهنتون ها وزارت تحصیلات عالی صرف وظیفه نظارت بر جمع آوری عواید از پوهنتون ها دارا می باشد. « وزارت تحصیلات عالی مکلف است از امور جمع آوری عواید^{۸۶} حسابات بانکی و مصارف پوهنتون های دارای استقلالیات مالی مراقبت و نظارت نماید^{۸۷}». این ماده در حقیقت نشان دهنده شخصیت مستقل پوهنتون ها بوده و نظارت بر اشخاص حکمی دولتی یک اصل می باشد.

۲-۴-۲ هزینه های مؤسسات تحصیلات عالی

هزینه و مصارف مؤسسات تحصیلی بر اساس وظایف یا برنامه های آن معین می گردد. به صورت عموم مؤسسات تحصیلات عالی و سایر شخصیت های حقوقی دارای دو نوع هزینه (عادی و انکشافی) می باشند. این هزینه ها بر اساس برنامه های استراتژیک و عملیاتی تعریف شده و بر اساس ماده ۶۵ قانون تحصیلات عالی ملکی توسط خود مؤسسه تحصیلی تطبیق میگردد^{۸۸} « بودجه مؤسسه تحصیلات عالی دولتی توسط خود مؤسسه تطبیق می گردد^{۸۹}».

تطبیق بودجه عادی

80. مقرر استقلالیات مالی پوهنتون ها^{۸۰} ماده ۱۴.

81. قانون تحصیلات عالی ملکی^{۸۱} سال ۱۳۹۴^{۸۱} فقره ۲ ماده ۶۵.

بودجه عادی مؤسسات تحصیلات عالی در حقیقت مصارف مربوط به معاشات بخش منابع بشری مؤسسه (رئیس و معاونین مؤسسه ' اعضای کدر علمی ' کارمندان اداری ' کارمندان خدمات) ' مصارف اداری و مصارف یومیه می باشد که بر اساس پلان عملیاتی مؤسسه تعریف شده و بر اساس این پلان به مصرف می رسد. در حقیقت این بودجه شکل روتین داشته و از یک سال تا سال بعدی تغییر اندک می نماید. همچنان بر اساس ماده چهارم طرز العمل ترتیب ' تصنیف و مصرف قانونمند بودجه مؤسسات تحصیلات عالی بودجه عادی مؤسسه بر اساس میکانیزم نیازسنجی ذیل صورت میگیرد.

1. نیاز سنجی بر اساس تشکیل اداره
2. نیاز سنجی بر اساس تعداد محصلان
3. نیاز سنجی بر اساس نوع فعالیت
4. سایر مواردی که بر اساس آن نیاز سنجی مالی صورت می گیرد⁸².

تطبیق بودجه انکشافی

هزینه های انکشافی مؤسسات تحصیلات عالی در حقیقت بر اثر عملی نمودن برنامه های انکشافی مؤسسه صورت گرفته و معمولاً شامل موارد مثل ساخت و ساز تعمیر جدید ' ساخت و احداث لابراتوار ها ' به راه انداز برنامه های تحقیقی و علمی ' سرمایه گذاری روی زیر ساخت های تحصیلی و توسعه علمی و فرهنگی مؤسسات تحصیلات عالی می گردد. معمولاً این هزینه ها تحت نظر و در هماهنگی وزارت تحصیلات عالی صورت گرفته ' اما پوهنتون میتواند بودجه آنرا از طریق دولت و یا از عوایدی که قبلاً یاد آوری شد تامین نمایند. بر اساس ماده چهارم طرز العمل ترتیب ' تصنیف و مصرف قانونمند بودجه مؤسسات تحصیلات عالی میکانیزم های ذیل برای ترتیب هزینه های انکشافی در نظر گرفته شده است.

1. نیاز سنجی بر اساس پلان ستراتیژیک وزارت تحصیلات عالی
2. نیاز سنجی بر اساس راهکار های علمی مؤسسات تحصیلات عالی
3. نیاز سنجی بر اساس راهکار های توسعهی مؤسسات تحصیلات عالی
4. نیاز سنجی بر اساس موثریت فعالیت های انکشافی مؤسسات تحصیلات عالی
5. نیاز سنجی بر اساس ظرفیت های موجود در قسمت مصرف بودجه انکشافی مؤسسات تحصیلات عالی در سال گذشته
6. سایر موارد که بر اساس آن نیاز سنجی مالی صورت می گیرد⁸³.

82. وزارت تحصیلات عالی ' طرز العمل ترتیب ' تصنیف و مصرف قانونمند بودجه مؤسسات تحصیلات عالی ' فقرة ۲ ماده ۴.

83. همان ' فقرة ۲ ماده ۴.

در یک جمع بندی عمومی می توان گفت که استقلالت مالی مؤسسات تحصیلات عالی در افغانستان به چالش های ذیل روبرو است.

1. حکومت شدیداً تحت فشار وظایف مربوط به توزیع بودجه (صحت، کاهش فقر، تامین اجتماعی ...) و همچنین مسائل امنیتی و حفظ زیرساخت های عمومی قرار دارد. در نتیجه کاهش بودجه نهاد های تحصیلات عالی تعلق میگیرد قطعی است.
2. عدم ارائه اختیارات مالی مناسب به پوهنتون ها از سوی دولت ' خصوصاً در قسمت جمع آوری عایدات و واریز آن در حساب شخصی پوهنتون، انگیزه آنها را برای کسب درآمدهای اختصاصی پائین آورده و مانع تنوع بخشی به منابع مالی و ارائه خدمات متنوع به بخشهای مختلف اقتصادی و اجتماعی میگردد.
3. نوع و میزان مالکیت بر زمین و ساختمان ها در پوهنتون های دولتی مختلف، کاملاً متنوع است. حتی بسیاری از مؤسسات تحصیلات عالی دولتی تعمیر مجهز ندارد.
4. عدم شناسائی موارد عایداتی متعدد در قوانین و مقررات.

۳-۴. استقلال علمی مؤسسات تحصیلات عالی

آزادی آموزشی و علمی را اغلب، حق اعضای هیئت علمی یک نهاد تحصیلی در برخورداری از آزادی مطالعه، تحقیق، بیان افکار، انتقال فکرها و بیان آنچه آنرا حقیقت میدانند، تعریف میکنند⁸⁴. یا آزادی علمی یعنی اجتماع علمی (هیئت علمی و محصلان) در فعالیت و کنشهای علمی خود مستقل بوده و هیچگونه فشار و سلطه ای از جانب عقاید و سازمان های سیاسی، مسلکی و مذهبی بر آنها تحمیل نشود⁸⁵. آقای غلام رضا ذاکر صالحی آزادی علمی را تحت عنوان آزادی آموزش چنین بیان می دارد « آزادی آموزشی را اغلب به حق هر يك از اعضای هیئت علمی و برخورداری از آزادی مطالعه، پژوهش، بیان افکار، انتقال فکرها و بیان آن چیزی که آن را حقیقت میدانند، تعریف میکنند⁸⁶». در ایالات متحد امریکا آزادی علمی استاد را غالباً به آزادی کامل در اجرای تحقیق و انتشار نتایج آن و بحث در صنف درسی و اعمال حقوق بنیادین تعریف میکنند⁸⁷.

استقلال علمی و اکادمیک اولاً : در مقابل مؤسسه تحصیلی در حمایت از اعضای کادر علمی است ' ثانياً : در برابر وزارت تحصیلات عالی ' ثالثاً : در برابر نهاد های سیاسی (قوای ثلاثه) دولت و رابعاً : در برابر ایدئولوژی گروه حاکم در قدرت سیاسی تعریف می گردد. زیرا محیط اکادمیک عاری از مؤلفه های سیاسی ' حزبی ' سمتی و سایر تعلقات باید باشد. اما فراموش نشود که آزادی علمی به معنای بیان هر موضوع نبوده و

84. واینر ' فلیپ پی ' فرهنگ تاریخ اندیشه ها ' ترجمه : مهبد ایرانی طلب ' جلد اول ' تهران ' نشر سعاد ' ۱۳۸۵ ' ۶۳.

85. ندوشن و خلیلی ' پیشین ' ۲۰۲.

86. صالحی ' پیشین ' ۸۴.

87. فلمن ' دیوید ' آزادی آموزش ' ترجمه : موسسه نشراتی سید ' ایران ' ۲۰۰۶.

از محدودیت های آن مصالح ملی و حقوق دیگران می باشد. این موضوع در قانون تحصیلات عالی به گونه دیگر در ماده شصت و هشت بیان شده است «اعضای کادر علمی مکلف به رعایت اصول و ارزش های اکادمیک در تدریس، تحقیق، عرضه خدمات علمی و اداری می باشند»⁸⁸. همچنان در ماده پنجاه و نهم این قانون یکی از حقوق محصل را آزادی ارائه پیشنهاد جهت بهبود وضع آموزش و در ماده شصتم اجتناب از هر گونه فعالیت و مظاهر تبعیضی، قومی، لسانی، مذهبی و سیاسی در محیط اکادمیک را یکی از مکلفیت های محصلین دانسته است. که مبین استقلالیت علمی پوهنتون ها می باشد.

مداخله حکومت در امور اکادمیک مؤسسات تحصیلات عالی بر اساس سلايق سیاسی، با ایده استقلالیت علمی منافات دارد. بنابراین، این فاجعه ای برای جامعه ای برای جامعه اکادمیک است که دولت از نهاد های تحصیلی بخواهد که مبلغ سیاستش باشند⁸⁹. خوشبختانه این موضوع در ماده سی و سه قانون تحصیلات عالی تضمین شده است «مؤسسه تحصیلات عالی، کانون علمی است که وظایف مبرم معین را به دوش داشته و از هر گونه فعالیت های سیاسی، مذهبی، قومی، سمتی و زبانی مصئون می باشد. هیچ کارکن مؤسسه تحصیلات عالی اعم از اعضای کادر علمی و اداری نمی تواند به منظور اهداف گروهی و سیاسی خویش از طریق تدریس، فعالیت های علمی، اداری و روابط کاری نفوذ و بهره برداری نماید. هیچ ارگان دولتی و غیردولتی نمی تواند در امور علمی و اکادمیک وزارت و مؤسسه تحصیلات عالی مداخله نماید. متخلف از احکام این ماده مورد تعقیب عدلی قرار می گیرد»⁹⁰. بنا دخالت دولت در امر تحصیل، تحقیق و تدریس قطعاً مخالف استقلالیت علمی خواهد بود. زیرا حفظ موقعیت، صیانت علمی و استقلال اکادمیک از مؤلفه های اند که توسعه علمی را به دنبال دارد. جامعه زمانی شگوفائی خواهد یافت که تحقیق و تحصیل کار روزانه افراد آن بوده و تحقیق و تحصیل زمانی جامعه را شگوفاً خواهد نمود که در فضای آزاد فرا گرفته شود. استقلالیت علمی مؤسسات تحصیلات عالی در وظایف این مؤسسات و بخش های مختلف آن بر اساس مواد مختلف قانون تحصیلات عالی بیان شده است. بر اساس ماده یازدهم یکی از وظایف مؤسسه «آموزش و آماده ساختن کادرها به درجه های تحصیلی لیسانس و بالاتر از آن و تجهیز آنها به دانش نظری، مهارت های عملی و سلوک مطلوب در رشته های مختلف علوم، مطابق نیاز های کشور و پیشبرد فعالیت های علمی - تحقیقی به منظور آماده ساختن کادرها جهت رشد همه جانبه کشور...»⁹¹ و در ماده هژدهم یکی از وظایف شورای علمی مؤسسه «... تدوین و ارزیابی پلان های درسی و برنامه های علمی - تحقیق...»⁹² و در ماده بیست و هشت

88. قانون تحصیلات عالی ملکی، ۱۳۹۴، فقره ۲ ماده ۶۸.

89. ندوشن و خلیلی، پیشین، ۲۱۲.

90. قانون تحصیلات عالی ملکی، ۱۳۹۴، ماده ۳۳.

91. همان، فقره های ۱ و ۵ ماده ۱۱.

92. همان، فقره ۳ ماده ۱۸.

یکی از وظایف شورای علمی پوهنچی «... طرح پلان هاو برنامه های درسی و پروژه های تحقیق...»⁹³ . دیده می شود که قانون تحصیلات عالی استقلالیات علمی مؤسسات تحصیلات عالی و اعضای کادر علمی رابه رسمیت شناخته است.

اما بر اساس مواد مختلف مقررہ آموزش دوره لیسانس این استقلالیات خشه دار شده است. ماده ۲۷ این مقررہ بیان می دارد. «تعداد سوالات امتحان نهایی سمستر از ۲۰ الی ۴۰ سوال نظر به نوعیت مضمون و رشته تعیین می گردد...»⁹⁴ . یا در ماده دیگر این مقررہ بیان می دارد. «نتایج امتحان نهایی بعد از اخذ امتحان در خلال ۳ الی ۵ روز به صورت رسمی اعلان می گردد...»⁹⁵ . تعیین تعداد سوالات و زمان اعلان نتایج امتحانات در مخالفت با استقلالیات علمی مؤسسات تحصیلات عالی قرار دارد. متأسفانه در هیچ یک از قوانین نافذہ برای اعضای کادر علمی مؤسسات تحصیلات عالی مصونیت از اظهار نظر پیرامون خلاها و عدم کارائی نظام سیاسی داده نشده است و اعضای کادر علمی مانند سایر شهروندان از حق آزادی بیان برخوردار می باشند. ضمناً تصمیم وزارت تحصیلات عالی در این اواخر مبنی بر ترتیب کریکولم واحد به مؤسسات تحصیلات عالی خلاف اصل استقلالیات است. بنا استقلالیات علمی مؤسسات تحصیلات عالی در افغانستان شکل نسبی دارد. در اخیر می توان بیان موارد ذیل را موانع شدید در امر تحقق استقلالیات علمی نهاد های علمی بیان نمود.

1. تغییر مداوم برنامه ها و طرحهای تحقیق پس از تغییر و تحولات سیاسی ' طراوت علمی از پوهنتونها سلب مینماید.
2. نگرشهای سیاسی برخی از مدیران و مسئولین پوهنتونها میتواند بر روند فعالیتها و فضای علمی و تحقیقی پوهنتون تأثیر گذاشته و حتی در برخی حالات منجر به کاهش بنیه علمی پوهنتون به علت کناره گیری بخشی از اعضای کادر علمی در اثر اختلاف نظرهای سیاسی شود.
3. کافی نبودن فضای آزاد علمی در انتخاب موضوعات تحقیقی و انتشار نتایج برخی از طرحها و فعالیتهای تحقیقاتی، همچنین انتخاب روشهای تدریس، اداره صنف و مباحث درسی نیز به شدت استقلال علمی پوهنتون ها را تحت الشعاع قرار میدهد.⁹⁶

۴-۴. استقلال استخدامی مؤسسات تحصیلات عالی

استقلال استخدامی عبارت از ظرفیت مؤسسات تحصیلات عالی برای جذب ' ترفیع و انفکاک کارکنان علمی و اداری و مسئولیت پذیری برای توسعه فردی می باشد. از نگاه مدیریت دو نوع منبع در سازمان ها

93. همان ' جزء ۲ فقره ۱ ماده ۲۸.

94. وزارت عدلیه ' مقررہ آموزش دوره لیسان ' جریده رسمی ' شماره مسلسل ۱۲۸۲ ' سال ۱۳۹۹ ' فقره ۱ ماده ۲۷.

95. همان ' فقره ۱ ماده ۲۸.

96. ندوشن و خلیلی ' پیشین ' ۲۱۲-۲۱۳.

وجود دارد که می تواند به منابع مادی و انسانی انرا تقسیم نمود. مدیریت قرن بیست و یک مهمترین سرمایه سازمان را منابع انسانی می داند. افراد استخدامی مؤسسات تحصیلات عالی به صورت عموم شامل (بست های اکادمیک⁹⁷) ' کارکنان اداری و کارکنان خدماتی می گردد. بدون شک هسته اساسی نهاد های تحصیلی ' کادر علمی بوده و اعضای کادر علمی پوهنتون ها در وهله اول کارمند حکومت نبوده و عضو یک نهاد علمی می باشند. زیرا کارکنان حکومت صرفاً تصمیمات سیاسی و اداری مقامات بالاتر را اجرا میکنند چون آنها وظیفه دارند تبعیت کنند. در مقابل «کار اصلی استاد این است که خود انتخاب کند و تصمیم بگیرد. او مسئول است، اما صرفاً نسبت به فعالیت های تحقیقاتی خود' باید تماماً وقت خود را وقف مسائلی نماید که خود طرح میکند، بدون اینکه تداخلی با هیچ امر بیرونی (ساختار های حکومتی) داشته باشد. او تصمیماتش را بر مبنای معیار های علمی میگیرد. که اساس ماهیت کارش هستند در حقیقت استادان باید، بیش از هر چیز، خود را محقق و معلم بدانند⁹⁸». ، نه مرئوس بخش های اجرائی و اداری دولت و حکومت ' مهم ترین موضوع در استقلالیت استخدامی تعیین ' ترفیع و انفکاک می باشد. بر اساس ماده سی و چهار قانون تحصیلات عالی اعضای کادر علمی مؤسسات تحصیلات عالی به دو بخش (استاد و معاون استاد) تقسیم شده است. این قانون معاون استاد را پوهنیار⁹⁹ و پوهنممل¹⁰⁰ و استاد بنام پوهندوی¹⁰¹ ' پوهنوال¹⁰² و پوهاند¹⁰³ نام گذاری نموده است. شمولیت به صفت کادر علمی در مؤسسات تحصیلات عالی تنها به صفت معاون استاد صورت گرفته و به درجه استاد رسیدن باید بر اساس (معیار های داخل خدمت¹⁰⁴) صورت گیرد¹⁰⁵. آنچه ارتباط به استقلالیت استخدامی مربوط است اینکه بر اساس ماده چهارم طرز العمل جذب

97. بر اساس ماده ۱۲ قانون تحصیلات عالی ملکی این بست ها عبارت اند از (بست های اکادمیک در مؤسسه تحصیلات عالی: ۱- بست اکادمیک اعضای کادر علمی. ۲- بست های ریاست و معاونیت های مؤسسه تحصیلی. ۳- بست های ریاست ها و معاونیت های پوهنچی ها. ۴- بست های آمریت های دیپارتمنت ها. ۵- بست های مسئولان ادارات مرکز انسجام تحقیقات علمی، رؤسای شفاخانه های کادری مؤسسات تحصیلات عالی، نشرات، انسجام امور استادان، محصلان، کتابخانه، مراکز علمی، مرکز ارتقای کیفیت، برنامه های ماستری و دوکتورا و تکنالوژی معلوماتی) قانون تحصیلات عالی ملکی ' ۱۳۹۴ ' ماده ۱۲. 98. همان ' ۲۱۳.

. Teaching Assistant. 99

. Senior Teaching Assistant. 100

. Assistant Professor. 101

. Associate Professor. 102

. Professor. 103

104. برای معلومات بیشتر در مورد مراجعه کنید. (ماده های ۴۵-۴۶-۴۷-۴۸ و ۴۹ قانون تحصیلات عالی ۱۳۹۴)

105. برای معلومات بیشتر در مورد شرایط استخدام اعضای کادر علمی مراجعه کنید به ماده های ۳۷ و ۳۸ قانون تحصیلات عالی ۱۳۹۴ ' ماده های ۴-۵ و ۶ طرز العمل جذب اعضای کادر علمی مؤسسات تحصیلات عالی و ماده

اعضای کادر علمی توسط دیپارتمنت اعلان می شود. « بست های کادر علمی با توجه به تامین نسبت معیاری مضامین و مکلفیت های درسی اعضای کادر علمی ' از طرف دیپارتمنت و پوهنچی اعلان می شود¹⁰⁶ ». تعیین شدن در بست اکادمیک بعد از پروسیجر های اداری بر اساس ماده سی و نه قانون تحصیلات عالی ملکی طور ذیل است. « عضو کادر علمی با رعایت مراتب ذیل مقرر می شد ' موجودیت بست در تشکیل دیپارتمنت. تکمیل و تصویب اسناد تقرر توسط دیپارتمنت ' تأیید شورای علمی پوهنچی و شورای علمی مؤسسه تحصیلات عالی و منظوری وزیر تحصیلات عالی...¹⁰⁷ ». منظوری وزیر تحصیلات عالی مانع اساسی در جهت استقلالیّت استخدامی اعضای کادر علمی مؤسسات تحصیلات عالی می باشد.

بر علاوه استقلال در استخدام موضوع دیگر بحث ترفیع اعضای کادر علمی مؤسسات تحصیلات عالی دولتی می باشد. بر اساس ماده چهل و نهم قانون تحصیلات عالی ملکی « ترفیع و تثبیت رتبه علمی معاون استاد (اسیستانت) و استاد طبق احکام این قانون بعد از تصویب شورای علمی پوهنچی، به پیشنهاد رئیس مؤسسه تحصیلی مربوط و منظوری وزیر تحصیلات عالی صورت می گیرد¹⁰⁸ ». منظوری وزیر تحصیلات عالی خود نقض صریح استقلالیّت استخدامی است. همچنان در قبال انفکاک اعضای کادر علمی ماده ۵۱ قانون یاد شده صراحت دارد. « (۱). عضو کادر علمی در حالات ذیل از بست اکادمیک منفک می گردد: ۱. در صورتیکه شاکل برنامه ماستری یا دکتورا در داخل یا خارج از کشور توسط مؤسسه تحصیلی معرفی گردیده باشد ' ولی سند فراغت مورد نیاز را کسب کرده نتواند. ۲. در صورتیکه استاد یا معاون استاد شرایط ترفیع به رتبه علمی بالاتر را در مدت شش سال تکمیل کرده نتواند. ۳. در صورت نقص دسپلین و سایر تخطی های مندرج (اسناد تقنینی¹⁰⁹) مربوطه. ۲). انفکاک در حالت جزء ۳ فقره اول به اساس پیشنهاد شورای علمی پوهنچی ' تصویب شورای علمی مؤسسه تحصیلی و منظوری وزیر تحصیلات عالی صورت میگیرد¹¹⁰ » در این ماده دو موضوع قابل بحث است. اولاً منظوری وزیر تحصیلات عالی برای انفکاک عضو کادر علمی که خلاف اصل استقلالیّت اکادمیک است و ثانیاً حضور کادر علمی در صورت تخطی از لوایح و طرز العمل های داخلی مؤسسه تحصیلی قابل انفکاک نمی باشد. زیرا قید اسناد تقنینی

های ۳-۴-۵- و ۶ لایحه جذب اعضای کادر علمی مؤسسات تحصیلات عالی (پوهنتون ها) انستیتوت های تحصیل عالی) وزارت تحصیلات عالی افغانستان.

106. وزارت تحصیلات عالی ' طرز العمل جذب کادر علمی ' ماده ۴.

107. قانون تحصیلات عالی ملکی ' ۱۳۹۴ ' ماده ۳۹.

108. همان ' ماده ۴۹.

109. بر اساس فقره اول ماده سوم قانون طی مراحل اسناد تقنینی: اسناد تقنینی: قانون، فرمان تقنینی، مقرر، اساسنامه ' تعدیل، ایزاد، حذف، الغاء، تعلیق و ضمیمه در آنها و مصوبه حکومت است که دارای صبغه تقنینی باشد.

(وزارت عدلیه ' قانون طی مراحل اسناد تقنینی ' جریده رسمی ' شماره مسلسل ۱۳۱۳ ' سال ۱۳۹۷.

110. قانون تحصیلات عالی ملکی ' ۱۳۹۴ ' ماده ۵۱.

در این ماده ' انفکاک بر اساس نقض لوایح و طرز العمل های داخلی مؤسسه را منتفی می سازد. همچنان بر اساس ماده فقره سوم ماده ۴۳ قانون یاد شده معاون استناد در بست های اداری نقرر شده نمی تواند. در صورت تقرر در بست اداری منفک می گردد.

قابل یادآوری است ' مؤسسات تحصیلات عالی صرف در قسمت جذب استاد خارج از بست استقلالیت دارد « مؤسسه تحصیلات عالی در صورت ضرورت می تواند، شخص واجد اهلیت تدریس را که خارج مؤسسه تحصیلی ایفای وظیفه می نماید به موافقه شورای علمی پوهنچی درمقابل حق الزحمه استخدام نماید¹¹¹». در نتیجه گفته می توانیم مؤسسات تحصیلات عالی دولتی در جذب کادر علمی استقلالیت ندارند. موضوع بعدی در امر استقلالیت استخدامی ' استخدام کارکنان اداری مؤسسه می باشد. این افراد فعالیت های اداری محض انجام داده و غیر از (رئیس ' معانان ' روسای پوهنچی ' معاون پوهنچی ' آمرین دیپارتمنت ها و استادان مؤسسه) می باشند. مؤسسات تحصیلات عالی در استخدام این افراد هم استقلالیت ندارد. زیرا بر اساس ماده هفتماد قانون تحصیلات عالی ملکی « کارکن خدمات ملکی مؤسسه تحصیلات عالی دولتی تابع احکام قانون کار و قانون کارکنان خدمات ملکی می باشد¹¹²». بر اساس این ماده موقف قانون کار بر اساس ماده پنجم این قانون عام می باشد و شامل تمام افرادی می شود که در افغانستان کار میکند¹¹³. اما قانون کارکنان خدمات ملکی برای کارکنان خدمات ملکی است بر اساس فقره اول ماده سوم این قانون « خدمات ملکی که فعالیت های اجرائیوی و اداری دولت که توسط کارکنان خدمات ملکی عرضه می گردد...¹¹⁴». همچنان بر اساس ماده چهارم این قانون «احکام این قانون در مورد کارکنان خدمات ملکی وزارت خانه ها' اداره لوی سارنوالی' ریاست های عمومی مستقل' کمیسیون های مستقل' تصدی های دولتی ... قابل تطبیق می باشد¹¹⁵». بنا استخدام کارکنان اداری مؤسسات تحصیلی مطابق این قانون خلاف استقلالیت سازمانی است و باید مقررات استخدامی خاص برای مؤسسه تحصیلی موجود باشد.

111. همان ' ماده ۴۴.

112. همان ' ماده ۷۰.

113. ۱). این قانون مناسبات عام کار تمام بخش های کارکنان (اعم از داخلی وخارجی) را با اداره تنظیم می نماید. بخش های کارکنان مشتمل است بر ۱. کارکنان وزارتها و ادارات دولتی،مختلط وخصوصی، کمیسیونهای مستقل،ادارات غیردولتی داخلی و خارجی مقیم افغانستان ۲. کارکنان اداری ادارات انتخابی (شورای ملی، شورا های ولایتی، ولسوالی وقریه)ادارات نظامی، پولیس و امنیت ملی)
ب. مناسبات خاص کارکنان بخش های مندرج فقره اول این ماده با نظرداشت شکل و ماهیت حقوقی اداره (دولتی، مختلط،خصوصی،غیر دولتی، اجتماعی وادارات خارجی مقیم افغانستان) توسط اسناد تقنین جداگانه که مخالف احکام این قانون نباشد، تنظیم می گردد. (وزارت عدلیه ' قانون کار ' جریده رسمی ' شماره مسلسل ۹۶۶ ' سال ۱۳۸۷ ' ماده ۵).

114. وزارت عدلیه ' قانون کارکنان خدمات ملکی ' جریده رسمی ' شماره مسلسل ۹۵۱ ' ماده ۳.

115. همان ' ماده ۴.

در اخیر گفته می‌توانیم مداخله دولت در امر استخدام کارکنان مؤسسات تحصیلی چالش‌های ذیل را برای مؤسسات تحصیلی ببار می‌آورد.

1. مدیریت متمرکز دولتی و کمی اختیارات در گزینش و جذب اعضای هیأت علمی باعث بی تفاوتی بعضی از مؤسسات تحصیلات عالی نسبت به کیفیت علمی استادان گردیده همچنین آموزش عالی را با چالش حضور استادان بعضاً با کیفیت نامناسب مواجه مینماید. ضمن اینکه هزینه‌های مالی مازادی را بر نهادها تحمیل مینماید.¹¹⁶
2. بعضاً تمرکز اختیارات جذب اعضای هیئت علمی در وزارت تحصیلات عالی ابتکار عمل مؤسسات تحصیلی گرفته و مانعی برای رقابت علمی سالم بین آنها خواهد بود.
3. استخدام کارکنان اداری پوهنتون‌ها از طریق کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی باعث شده که این مؤسسات برای جذب کارکنان مورد نیاز خود مسیرهای طولانی و مشقت‌باری را طی نمایند. این مشکل امکان برنامه‌ریزی مناسب نیروی بشری از سوی نهاد های علمی را سلب و فضای کافی برای جذب نیروی بشری کارآمد را از بین میبرد. ضمن اینکه با عدم جایگزینی نیروهای بشری، تضعیف تدریجی سرمایه انسانی در نهاد های علمی را شاهد خواهیم بود.
4. امروزه روند کاهش کارمندان دولتی از سوی کشورها پیگیری شده و چون در بسیاری از کشورها، کارکنان پوهنتون‌ها جز کارمندان دولت محسوب میشوند ادامه این وضعیت میتواند به استقلال استخدامی، ضرورتها و نیازهای کادر علمی و اداری پوهنتون‌ها صدمات جدی وارد نماید.¹¹⁷

۵. نتیجه گیری

با توجه به داده‌های کیفی تحقیق حاضر باید اذعان کرد که نوع و ماهیت خود استقلال مؤسسات تحصیلات عالی اولاً استقلال تام نیست، بلکه نسبی است. ثانیاً منظور از (استقلال¹¹⁸) هیچ‌گاه به معنای استقلال از دولت (استقلال سیاسی) نبوده و استقلال اداری می‌باشد. بررسی‌ها نشان میدهد که همچنان یک شکاف تکراری بین «استقلال رسمی¹¹⁹» و «استقلال بر روی کاغذ¹²⁰» و توانایی واقعی یک مؤسسه تحصیلی برای

116. کریمیان، زهرا و دیگران، ضرورت استقلال و آزادی علمی از دید اعضای هیئت علمی، مجله آموزش در علوم پزشکی، شماره ۱۱، سال ۱۳۹۰، ۸۵۹.

. Estermann, Thomas & Nokkala, Terhi, University Autonomy in Europe, European University Association. 2009, 31.

به نقل از ندوشن و خلیلی، پیشین، ۲۱۵.

. Autonomy 118

. Formal autonomy. 119

. Autonomy on paper. 120

اقدام استقلالیات باقی مانده است. افزایش قابل توجه ضرورت پاسخگویی و حسابدهی از طرف مؤسسات تحصیلات عالی بارها استقلالیات آنها را تحدید نموده و حکومت ها از این ابزار برای اعمال فشار استفاده کرده اند. از طرف دیگر استقلالیات مؤسسات تحصیلات عالی، به صورت مطلق وجود ندارد و شاید هیچگاه نیز وجود نداشته است. استقلال مطلق نیازمند عدم وابستگی کامل مالی ' علمی ' اداری و استخدامی است که چنین درجه ای از استقلالیات نهایتاً دست نیافتنی است. ضمن اینکه در نظر داشت روابط متقابل قوی میان ابعاد مختلف استقلالیات، مهم است.

بنا به صورت خلاصه گفته می توانم. در سیستم تحصیلات عالی افغانستان اولاً: بر اساس ماده چهارم قانون تحصیلات عالی تنها استقلالیات آکادمیک ' مالی و اداری شناخته شده ' اما بر اساس معیار های ارائه شده در آخرین تحقیق توسط انجمن اروپایی پوهنتونها بر علاوه موارد یاد شده استقلالیات سازمانی هم به رسمیت تعریف شده است. نتایج این تحقیق نشان میدهد. بر اساس ماده ۲۰ و ۲۴ قانون تحصیلات عالی که (پیرامون تعیین رئیس مؤسسات تحصیلات عالی و رئیس پوهنچی) استقلالیات سازمانی برای مؤسسات تحصیلات عالی دولتی به رسمیت شناخته نشده است. از جهت دیگر چون سیستم اداری کشور یک سیستم اداری متمرکز است ' بنا همه امور تحصیلات عالی از برنامه ریزی، مدیریت ' منابع مالی، روند های اداری، قواعد و مقررات توسط دولت و حکومت تهیه میگردد، مسئولین نهاد های تحصیلی جز اجرای مصوبات، نقش دیگری نداشته و اصولاً طرح مفاهیمی چون برنامه ریزی، تفکر، طراحی، خلاقیت، تصمیم سازی و پاسخگویی نیز جایگاه روشنی ندارد.

در امور علمی مؤسسات تحصیلی استقلالیات نسبی دارند. زیرا بر اساس ماده سی و سه قانون تحصیلات عالی ' مؤسسه تحصیلات عالی، کانون علمی است که وظایف مبرم معین را به دوش داشته و از هر گونه فعالیت های سیاسی، مذهبی، قومی، سمتی و زبانی مصئون می باشد. هیچ کارکن مؤسسه تحصیلات عالی اعم از اعضای کادر علمی و اداری نمی تواند به منظور اهداف گروهی و سیاسی خویش از طریق تدریس، فعالیت های علمی، اداری و روابط کاری نفوذ و بهره برداری نماید. هیچ ارگان دولتی و غیردولتی نمی تواند در امور علمی و آکادمیک مؤسسه تحصیلات عالی مداخله نماید در غیر آن به ارگان های عدلی و قضائی معرفی می شوند. اما بر اساس فصل چهارم مقرر آموزش دوره لیسانس شدیداً استقلالیات علمی خشه دار شده است. چنانچه در ماده های ۲۷ و ۲۸ این مقرر پیرامون تعداد سوالات و زمان اعلان نتایج امتحان قید وجود دارد ' که نقض کننده استقلالیات آکادمیک می باشد. در امور استخدامی استقلالیات مؤسسات تحصیلات عالی دولتی استقلالیات ندارند. زیرا بر اساس ۳۹ قانون تحصیلات عالی ملکی عضو کادر علمی با رعایت مراتب ذیل مقرر می شود ' موجودیت بست در تشکیل دیپارتمنت. تکمیل و تصویب اسناد تقرر توسط دیپارتمنت ' تائید شورای علمی پوهنچی و شورای علمی مؤسسه

تحصیلات عالی و منظوری وزیر تحصیلات عالی یا بر اساس ماده ۴۹ این قانون منظوری ترفیع اعضای کادر علمی و بر اساس ماده ۵۱ منظوری انفکاک اعضای از صلاحیت وزیر تحصیلات عالی می باشد.

همچنان پروسیجر اداری جذب کارکنان اداری از صلاحیت کمیسیون اصلاحات اداری به منظوری وزیر تحصیلات عالی می باشد. در امور مالی استقلالیّت مؤسسات تحصیلات عالی نسبی است. زیرا بر اساس ماده ۶۵ قانون تحصیلات عالی ملکی تهیه پیش نویس بودجه و تطبیق بودجه از صلاحیت خود مؤسسه تحصیلی بوده و بر اساس ماده پنجم طرز العمل ترتیب 'تصنیف و مصرف قانونمند بودجه مؤسسات تحصیلات عالی سال ۱۳۹۹ ترتیب بودجه از طرف مؤسسه مبتنی بر برنامه باشد. امور مالی شامل عواید و مصارف می گردد' که مؤسسات تحصیلی بر اساس ماده های ۲-۴-۵-۶ و ۱۴ مقرر استقلالیّت پوهنتون های می توانند عاید داشته باشند. اما عاید آنها به حساب واحد دولت تحویل می گردد' حالآنکه باید به حساب شخصی مؤسسه تحصیلی واریز گردد. ضمن آنکه منابع عایداتی در مقرر یاد شده بسیار اندک در نظر گرفته شده است. در اخیر می توان بیان نمود با توجه به پیشرفت علوم در عرصه های مختلف شناخت استقلالیّت مؤسسات تحصیلات عالی دولتی ها در تمام ابعاد ضرورت بوده و در عرصه های مختلف سبب توسعه و رشد خواهد شد.

۶. پیشنهادات

1. قانون تحصیلات عالی ملکی و مقرر های مربوطه با توجه به ابعاد تامین کننده استقلالیّت تعدیل گردد.
2. قوانین استراتیژی ها 'پالیسی ها و برنامه های دولت و حکومت در حال و آینده در قبال تحصیلات عالی ملکی نقش های حمایتی، تسهیل گرایانه، کمک کننده و توجه به افزایش کیفیت تحصیلات عالی گردد.
3. مؤسسات تحصیلات عالی ضمن تبعیت از ارزش های بنیادین نظام، امکان تعامل آزاد در سطح ملی و بین المللی داشته باشند.

About the Author

Mr. Ahmad Salem Abdullah, Assistant Professor Faculty of Law, Kardan University, Kabul Afghanistan.
<a.salem@kardan.edu.af> ORCID ID: 0000-0002-8014-3049